

پس از آنکه آثار خالد و جاویدان این داهی بزرگ شرقی مانند آثار الباقیه و ماللهند وی در اروپا چاپ گردید حوزهای فرهنگی دنیای نو به فضل و دانش و دهاء و نبوغ این استاد بزرگوار آشنا شدند، و دانشمندان خاور زمین در شرح حال و تدقیق زندگانی این علامه نامور مضامین مفصلی را نوشتند.

بسال (۱۳۲۱ ش) یکی از فضلاء تهران جناب اکبر صیرفی کتاب آثار الباقیه البیرونی را در کمال ثقت بزبان پارسی ترجمه و نشر کرد، و چنین بنظر می آید که همین استاد کتاب الهند وی را نیز پیارسی ترجمه کرده و او آثار را با مقدمه و حواشی سودمندی به چاپ رسانیده است و اخیراً وزارت فرهنگ ایران در سال (۱۳۲۴) شرح حال بوریحان بقلم دانشمند جلیل "دهخدا" طبع کرد.

در هندوستان نیز دانشمندان این علامه روزگار را بنظر احترام دیدند، و انجمن ترقی اردو کتاب الهند را در دو جلد بزبان اردو ترجمه کرد و دانشمند ارجمند سید حسن برنی شرح احوال وی را در کمال استیفاء و تدقیق نوشت که جامع ترین کتب درباره البیرونی شمرده می شود و نویسنده از استقصاء و تتبع نهائی کار گرفته که اطباء ممل و ایجاز مخل دران بنظر نمی آید.

ولی این دانشور هندی و تمام علماء و مستشرقینیکه تاکنون راجع به البیرونی چیزی را نگاشته اند راجع به مقسط الراس نخستین وی یعنی بیرون همان اقوال عبدالکریم سمعانی در الانساب و یاقوت حموی در معجم الادباء را ذکر کرده و به اشتباه تاریخی برخی از مؤرخان که بیرونی را سندی دانسته و بیرون خوارزم را با بیرون سند التباس نموده اند اشاراتی کرده اند. (۱) تاکنون در نوشته های علمای غرب و شرق شناسان و فاضلان شرقی مانند علامه سید سلیمان ندوی و آقای برنی و

بیرون و البیرونی

بیرون کجا بود؟

به مدیریت محترم مجله ۱

چند سال پیش برخی از مؤلفات البیرونی را دریافتم و به خواندن آن مستفیض و برخوردار گردیدم چون در نوشته های دانشمند آن غرب و شرق راجع به خود بیرون چیزی بسنده نیافتم در صدد کنجکاوی و تتبع افتادم اخیراً دران باره پاره از مواد و یاد داشتها فراهم گشت، که بصورت مقالتی در اورینتل میگزین لاهور چاپ شد (۱۳۲۲ ش) اکنون پاره از مطالب جدید را بران مقالت زیادت کردم، و به مجله تاریخی شما سپردم، شاید هموطنان دانشجویی را ازان بهره باشد.

والسلام (حبیبی)

بوریحان :

بیرونی از نوابغ دانشمندان و بزرگترین علمای شرق است که مجامع علمی و مراکز دانش دنیا وی را خوب شناخته اند و مدتهاست که از کتب و مؤلفات او سودها گرفته اند و استفادتها کرده اند. بویژه

زاخاو ناشر کتب البیرونی، و آنهایی که در ایران راجع به البیرونی چیزی نگاشته اند مانند آقایان صیرفی و دهخدا بنظر من تحقیق منشاء نخستین البیرونی اعنی بیرون نرسیده و حتی برخی از نویسندگان قدیم و جدید مانند شهر زوری در نزهته الارواح و ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء و ابوالفدا در تقویم البلدان ورنبو و شمس العلماء عبدالغنی در تاریخ ادب پارسی قبل از مغل و غیرهم بهمان التباس بیرون (خوارزم) و بیرون (سند) اشتباه کرده اند.

درین مقاله مرا با نقل اقوال مؤرخان و تفصیل آن کاری نیست کسانیکه با این موضوع دلچسپی دارند تمام اقوال و آرای قدیم و جدید را در دیباجه آثار الباقیه نگارش مدقق اروپا زاخاو و هکذا در کتاب فاضل هندی سیدحسن برنی دیده می توانند.

اما آنچه سمعانی گفته " هذه النسبة الی خارج خوارز فان بها من یکون من خارج البلد و لا یکون من نفسها یقال له " فلان بیرونی است" و یقال بلغتهم آن بیرونی است (۲)، و المشهور بهذه النسبته ابی الريحان البیرونی ... (۳) ازین عبارت بر می آید که بیرون یک جای معینی نبوده و بیرونی فقط اصطلاحاً بر اشخاص خارج البلد در خوارزم اطلاق میگردد و این قول سمعانی را یاقوت حموی در معجم الادباء نیز تأیید کرده که بیرونی باصطلاح اهل خوارزم غریب ویرا لبلد باشد (۴) و ازین هم چنین بر می آید که نزد یاقوت بنام بیرون جائی موجود نبود و بیرونی را غریب و خارج البلد شمرده است. اما امام علی زید البیهقی که کتاب تتمه صوان الحکمه را در (۵۶۵ هـ) نوشت و با سمعانی (متوفی ۵۶۲ هـ) معاصر بود واضحاً نوشته: "بیرونی التی هی منشاء و مولده (ای البیرونی) بلده طیبة فیها غریب و عجایب ... (۵) و ازین گفته علی بیهقی بر می آید که بنام بیرون شهری نزه و طیب وجود داشت دارای

غریب و شگفتی ها. از دانشمندان غرب و شرق آنهایی که راجع به بیرونی چیزی نگاشته اند متأسفانه درباره بیرون و محل وقوع آن تحقیقی نفرموده و به همین قدر اکتفاء کرده اند که بیرون جائی بود از مضافات خوارزم زاخاو نیز درین مورد شرحی ندارد دانشمند هندی سید حسن برنی افسوس میکند که درباره بیرون مؤرخان و جغرافیا نگاران را شرحی در بین نیست (۶) برای اینکه این موضوع تاریخی مجهول نماند و مدققان را سراغی از مولد این عالم بزرگوار شرق بدست آید من سعی خواهم کرد تا راجع به بیرون و محل وقوع جغرافی آن معلوماتی را درین مقاله فراهم آورم.

بیرون :

اندر خوارزم جنوبی یا شمال خراسان (نه بمنی اعم) در منطقه که اعتبار اقتدار حکومتهای مختلف گاهی خوارزم و وقتی خراسان و گاهی جوزجانان شمرده میشد وقوع داشت و این شهر یا شهرک در یکی از کتب جغرافی قدیم دوره اسلامی ذکر شده بشرح ذیل :

در موزة کابل کتابی خطی موجود است بنام ترجمه "اشکال العالم" ابوالقاسم احمد الجیهانی (۷) که مترجم آن علی بن عبدالسلام این کتاب را از عربی پیارسی بنام پادشاه عصر علی خواجه بن محمدولی امیرالمؤمنین کرده است این سخن که آیا کتاب حاضر همان مسالک و ممالک مفقود الجیهانی است یا نی در خور تحقیق و کنجکاوی زیاد است که این مقاله جای آن نبود ولی در موضوع مانحن فیہ اعنی بیرون میتوان ازین نسخه قلمی کمی استفاده کرد.

کتاب مذکور در مبحث اقلیم هجدهم که ناحیت های خراسان و سیستان و توابع آنرا می شمارد در ضمن تفصیل فواصل بلاد بیرون را در

معرفی ذکر کند که از آنجا منزل هشتمین بست باشد (۸) ازین ذکر غیر مفصل و اجمالی مؤلف اشکال العالم چنین استنباط توان کرد که اندر زمانیکه بوریحان هنوز بدنیا نیامده بود بیرون در جغرافیای آن عصر وجود داشت و در زمان سامانیان که وزیر دانشمند و معروف جیهانی کبیر کتاب اشکال و مسالک و ممالک خود را نوشت بیرون نیز شهرتی را دارا بود و ارباب مسالک باین نام شهری را می شناختند.

در کتب تاریخ مسالک و ممالک ادوار مابعد یعنی در عصر غزنویان و غوریان و مغل و غیرهم تا جائیکه استقراء و تتبع دست داد ذکر از بیرون نیافتیم مثلاً مؤلف مجهول حدود العالم و یاقوت در معجم جغرافی خویس و حمدالله مستوفی در نزهة القلوب و دیگران بیرون را نیاورده اند نه خود بوریحان آن را در قسمت جغرافی قانون مسعودی ذکر کرده ولی در دوره صفویان که شاهان این دودمان را باخوانین اوزبک و شاهان ماوراء النهر در شمال خراسان مکاوحتی و زد و خورد بود باز می بینیم که ذکر از بیرون تواریخ این عصر رفته است و من در سطور آینده شرح میدهم :

بیرون و درون :

چون صفویان را در شمال خراسان با خانان خوارزم و اوزبک مکاوحتی افتاد مؤرخان آن زمان وقایع پیکار و نبرد را نوشته درین مورد وقتیکه از ناحیت نسلوا بیورد ذکر می رود از قلعت درون و بیرون هم نامی برده میشود مثلاً اسکندر بیگ ترکمان، که عالم آرای عباسی را بنام شاه عباس کرده است در چندین جای ذکر از قلعت درون میکند مانند این عبارات : در صحیفه دوم عالم آراء جائیکه احوال اوزبکیه را با توجه شاه عباس بخراسان نویسد ایدون گوید : "حاجی

محمدخان ولایت نساو درون را از تصرف نورمحمد خان بیرون آورد" باز گوید : " کمر همت به تسخیر ولایت نساوا ایبورد و درون بست."

جای دیگر گوید : ۳۰ یما فات صابن خانی که در حدود نساو درون و باغباد مسکن دارند ... (۹) " ازین عباراتی که از عالم آراء اقتباس شده میتوان بر آورد که درون موضعی بود در ناحیت های نساو ایبورد که بقول خاورشناس شهیر بارتولد نسا در نزدیکی عشق آباد کنونی واقع بود و ایبورد اکنون نیز بشکل دیهی کوچک در (۱۱۰) ورستی عشق آباد افتاده است. (۱۰) چون هر یکی ازین دو شهر یعنی نساو ایبورد در عصر غزنویان داخل سرزمین خراسان بود و خود بیرونی در قانون مسعودی هر دو را اندر خراسان آورده (۱۱).

بنا بران می توان گفت : که درون و بیرون نیز گاهی جزو خراسان در مرز خوارزم شامل بوده است و هم باستناد اقوال اسکندریبگ منشی که در بالا مذکور افتاد آشکارا گشت، که درون قلعتی بود در مقابل آن بیرون واقع بود و خود همین اسکندریبگ منشی محمد یوسف مؤرخ در ذیل عالم آرای عباسی ذکر از بیرون کرده اند بدین موجب :

در شرح احوال خراسان گوید : "... بقصد تسخیر ولایت مرو و نسا و درون و ایبورد به خراسان آمد (اسفندیار سلطان) و چند نفر از اعیان نساو درون اظهار موافقت ایشان نمود کسی نزد ابوالمازی سلطان (برادرش) فرستاده او را به آمدن آنجا ترغیب نموده وعده قلعه بیرون دادند ... (۱۲) " باین نمط در ذیل عالم آراء نیز ذکر از قلاع درون و بیرون رفته و از همه این اشارت توان فهمید که بیرون قلعتی بود در خراسان که گاهی این ناحیت را داخل ثغور خوارزم نیز می شمرده اند و استاد بزرگوار بوریحان از اینجا برخاست. (۱۳)

کشمیری تحریر فی التاريخ ۱۷ شهر جمادی الاول قلمی شد، سنه ۱۲۵۶* (فهرست ریو، ص ۴۱۸، ج ۱) نسخه موزه کابل عبارت از همین نسخه مفقوده راولنسون است که پنج سال پیش برای موزه کابل خرید شده و این ضاله علمی اخذ و محفوظ گردید. نسخه کابل در آخر عبارات سابقه را از (فرغ) تا (الکاتب) داراست ولی در نسخه لندن ملا محمد منور کشمیری امضاء کرده که همان نسخه را بخواهدش راولنسون در کابل استنساخ کرده بود اما نسخه دیگر لندن شماره (۵۴۲ - ۲۳) نسخه علیحده و مستقلی است که در بغداد بتاريخ رمضان ۱۲۵۱ ه نوشته شده و رابرت تایلر آنرا دریافته است و از مقابله نخستین کابل و لندن میتوان این کتاب را تکمیل و تصحیح نمود از نسخ دیگر این کتاب تاکنون معلوماتی ندارم. (حبیبی)

۸. اشکال العالم نسخه خطی موزه کابل ص ۶۶
۹. تلخیص از نسخه خطی عالم آرای عباسی
۱۰. جغرافیای تاریخی ایران ص ۱۴۳
۱۱. منتخبات قانون مسعودی ص ۴. طبع دهلی
۱۲. ذیل عالم آرای عباسی ص ۲۰ طبع تهران
۱۳. مجله آریانا، سال چهارم، شماره ۴، ص ۲۳ تا ۲۷.

ماخذ

۱. ابن ابی اصیبعه اورا از اهل بیرون سند گفته و این اشتباهی است چه آنکه در سند است بیرون بانون است نه بیرون با بء، و آن را بیرون کوت و حیدرآباد سند گوید (شرح حال البیرونی نوشته آقای دهخدا).
۲. در برخی از نسخ: انبیزک است یا انبزیل است.
۳. الانساب ص ۹۸
۴. معجم الادباء ص ۳۰۸
۵. تتمه صوان الحکمه ص ۶۳ طبع جناب محمد شفیع لاهور
۶. البیرونی طبع علی گده ص ۲۹
۷. این نسخه داستانی شگفت دارد و دانشمند محترم هاشم شایق در شماره ها (۱ - ۲) همین مجله مقالاتی را در آن باره نوشتند که بعلت رنجوری شان مقطوع ماند درینجا من میخواهم خوانندگان مجله را با همین نسخه ملتفت گردانم نسخ این کتاب خیلی نادر و کمیاب است در مخطوطات موزه بریتانیا نیز دو نسخه ازین کتاب موجود است که گویا یکی از آن نسخ نقل همین نسخه موجوده موزه کابل شمرده می شود. این نسخه که تحت شماره (۱۵۸۶) کتب شرقی ضبط است به کلکسیون سرهنری راولنسون تعلق دارد و بخط همین شخص بران نوشته است که: "این کتاب از روی یک نسخه کهنه و نفیسی در کابل بسال (۱۸۴۰ ع) نقل شد که همان نسخه را من در اصفهان بسال (۱۸۳۷ ع) بدست آورده بودم و چون آنرا به ایدورد کونولی Conolly بعاریه سپردم باخود وی در فتور افغانستان از بین رفت" در آخرین این کتاب چنین نوشته شده: "فرغ تحریر هذه الكتاب بترجمته العبد الاصغر علی بن عبدالسلام الکاتب العبد الضعیف نحیف ملا محمد منور"